

حوزه، جزیره نیست!

حوزه و روحانیت جزیره‌ای نیست که با پیرامون خود ارتباطی نداشته باشد. بر حسب بافت معمولی همیشگی تغییرناپذیر نظام اجتماعی و روابط انسانی ما، حوزه و روحانیت مثل خونی است که در سرتاسر پیکره جامعه در جریان است؛ در حرکت است؛ با همه جا مرتبط است. لذا مسائل روحانیت و مسائل حوزه، پیوندی ناگسستنی با مسائل کشور، امروز و حتی مسائلی از تاریخ و گذشته دارد. (فیضیه: ۷۹/۴/۱۰)

حوزه نمی‌تواند بی تفاوت باشد

حوزه علمیه باید نظام اسلامی را از خود بداند و برای تکمیل و رفع نقص آن، همه کوشش خود را مبذول کند... نظام دینی است؛ نظامی است که بر اساس معارف، احکام و ارزش‌های دینی شکل گرفته است. حوزه در مقابل چنین نظامی نمی‌تواند بی تفاوت باشد. هیچ مصلحت و هیچ انگیزه شخصی یا صنفی یا سیاسی نمی‌تواند و حق ندارد از حمایت حوزه نسبت به نظام مانع شود. (فیضیه: ۷۹/۴/۱۰)

کناره‌گیری ننگ است

هیچ کس در عالم روحانیت، اگر انصاف و خرد را میزان قرار دهد، نمی‌تواند خود را از نظام اسلامی جدا بگیرد... این که یک آقای در یک گوشه‌ای عیایش را بکشد به کول خودش، بگوید من به کارهای کشور کار ندارم، من به نظام کار ندارم، افتخار نیست؛ این ننگ است. روحانی باید از وجود یک چنین نظامی که پرچمش اسلام و قانونش فقه اسلامی است، با همه وجود استقبال کند. مراجع تقلید کنونی، مگر به بنده گفتند که ما تضعیف این نظام را به هر کیفیتی حرام قطعی می‌دانیم. (خراسان شمالی: ۹۱/۷/۱۹)

با صد درصد یا هیچ!

یقیناً مستولان نظام، از صدر تا ساقه، ضعف‌هایی دارند. بنده خودم در اول صف قرار دارم؛ مجمع ضعف‌های فراوان و عیوب بی‌شمار. در این تردیدی نیست. باید این ضعف‌ها را برطرف و جبران کرد؛ باید به رفع عیب‌ها کمک کرد. نمی‌شود گفت یا صد درصد یا هیچ؛ یا باید مثل حکومت امیرالمؤمنین و پیغمبر اکرم علیهم السلام باشد، یا اصلاً نباشد! (فیضیه: ۷۹/۴/۱۰)

عیوب نظام، عیوب روحانیت؛ و حوزه سکولار!

حالا یک معممی در یک گوشه‌ای بیاید خودش را از نظام کنار بگیرد؛ بهانه هم این است که ما فلان انتقاد را داریم... وجود انتقاد و عیب در یک مجموعه مگر موجب می‌شود که انسان این همه محسنات و نقاط قوت را در آن مجموعه نبیند و ملاحظه نکند؟ در روحانیت هم همین جور است... صدتا اشکال در

ما هست؛ اما این صد تا اشکال موجب می‌شود ما از روحانیت اعراض کنیم؟ ابداً. در مقابل این صدتا اشکال، هزار تا حسن وجود دارد. در کسر و انکسار مصالح و مقاسد است که انسان می‌تواند خط مستقیم را پیدا کند... بنابراین حوزه‌های علمیه نمی‌توانند سکولار باشند. این که ما به مسائل نظام کار نداریم، به مسائل حکومت کار نداریم، این سکولاریسم است. (خراسان شمالی: ۹۱/۷/۱۹)

مادر نظام اسلامی

حوزه علمیه، به خصوص حوزه علمیه قم، مادر این نظام است؛ به وجود آورنده و مولد این انقلاب و این حرکت عظیم است. یک مادر چگونه می‌تواند از زاده خود، از فرزند خود غافل بماند، نسبت به او بی تفاوت باشد، در هنگام لازم از او دفاع نکند؟ ممکن نیست. بنابراین این نسبت بین حوزه‌های علمیه و نظام جمهوری اسلامی، نسبت حمایت متقابل است؛ نظام از حوزه‌ها حمایت می‌کند و حوزه‌ها هم از نظام حمایت می‌کنند؛ همکاری می‌کنند و به یکدیگر کمک می‌کنند. (قم: ۸۹/۷/۲۹)

سر نوشت مشترک

جریان نظام اسلامی و در دل آن، جریان حوزه‌های علمیه، دو جریانی هستند که به هم مرتبط و متصل اند و سر نوشت آن‌ها یکی است. امروز سر نوشت روحانیت و سر نوشت اسلام در این سرزمین، وابسته و گره خورده به سر نوشت نظام اسلامی است. نظام اسلامی اندک لطمه‌ای ببیند، یقیناً خسارت آن برای روحانیت و اهل دین و علمای دین از همه آحاد مردم بیشتر خواهد بود. البته نظام زنده است، سرپاست، قوی است و با اطمینان کامل عرض می‌کنم که بر همه چالش‌هایی که در مقابلش قرار دارد، فائق و پیروز خواهد شد. (قم: ۸۹/۷/۲۹)

انزوای روحانیت، به دست خودمان!

در زمینه‌های گوناگون، امروز نیاز وجود دارد؛ هم برای نظام اسلامی، هم در سطح کشور و هم در سطح جهان. تبیین معرفت‌شناسی اسلام، تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام، مفاهیم فقهی و حقوقی‌ای که پایه‌های آن تفکر اقتصادی و سیاسی را تشکیل می‌دهد، نظام تعلیم و تربیت، مفاهیم اخلاقی و معنوی و غیره، همه باید دقیق، علمی، قانع‌کننده و ناظر به اندیشه‌های رایج جهان، آماده و فراهم شود؛ این کار حوزه‌هاست. با اجتهاد، این کار عملی است. اگر ما این کار را نکنیم، به دست خودمان کمک کرده‌ایم به حذف دین از صحنه زندگی بشر؛ به دست خودمان کمک کرده‌ایم به انزوای روحانیت. (قم: ۸۹/۷/۲۹)

روحانیت و شبهه آخوند حکومتی

تقسیم روحانی به حکومتی و غیر حکومتی و ارزش و ضد ارزش قلمداد کردن این‌ها هم یک غلط فاحش است. رفتن به

سمت حکومت و غیر حکومت، اگر برای دنیا شد، بد است؛ اگر برای هوای نفس شد، بد است؛ مخصوص رفتن به سمت حکومت نیست... همان مصداق دخول در دنیا است که فرمود: «الفقهاء امناء الرسل ما لم یدخلوا فی الدنیا»؛ (کافی، ۱: ۴۶) اما اگر رفتن به سمت حکومت با هدف معنوی و الهی است، این از برترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است؛ از برترین مصادیق مجاهدت است. اگر روحانی حکومتی به آن کسی گفته می‌شود که برای ادای مسئولیت شرعی خود، برای خاطر خدا از نظام اسلامی حمایت می‌کند یا از مسئولی حمایت می‌کند، این ارزش است. (قم: ۸۹/۷/۲۹)

استقلال حوزه و هزینه‌های دولتی

... استقلال حوزه‌ها به معنای عدم حمایت نظام از حوزه و حوزه از نظام تلقی نشود... وابستگی غیر از حمایت و همکاری است. نظام به حوزه مدیون است؛ باید به حوزه‌ها کمک کند... مسائل حوزه‌ها فقط مسئله معیشت نیست؛ در حوزه‌ها هزینه‌هایی وجود دارد که جز با کمک بیت‌المال مسلمین و کمک دولت‌ها امکان ندارد تحقق پیدا کند. دولت‌ها موظفند این هزینه‌ها را بدهند، دخالتی هم نباید بکنند. بسیاری از مدارس مهم در شهرهای گوناگون به وسیله امراء و سلاطین و بزرگان ساخته شده. در مشهد سه مدرسه کنار هم ساخته شده، مدرسه نواب، باقریه و حاج حسن که هر سه در زمان یکی از سلاطین صفویه و به امر او یا به امر امرای او ساخته شده است. اشکالی هم ندارد؛ باید هزینه کنند، دخالت هم نباید بکنند. حوزه پشتیبانی‌های گوناگون را از سوی نظام می‌پذیرد؛ با عزت و با مناعت. (قم: ۸۹/۷/۲۹)

ارتباط مبتنی بر تعاون

ارتباط حوزه علمیه با نظام اسلامی در تدوین اصول اساسی و پایه‌های مقررات اسلامی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه ربط این دو در همه ابعاد، ربط منطقی و مبتنی بر تعاون است. نظام اسلامی، حوزه علمیه را هم چون پشتوانه معنوی خود عزیز می‌دارد و حوزه علمیه، نظام اسلامی را هم چون فضای مناسبی برای رشد و تکامل خود مغتنم می‌شمارد. هر یک، کمک و پشتیبان آن دیگری است؛ این درک و احساس دوجانبه باید روزبه‌روز قوی‌تر و واقعی‌تر شود. (پیام به جامعه مدرسین: ۷۱/۸/۲۴)

فرصت نظام اسلامی و سؤال قیامت...

نظام اسلامی امکان عظیمی را در اختیار داعیان الی الله و مبلغان اسلام قرار داده است... امروز یک طلبه فاضل در تلویزیون می‌نشاند نیم ساعت حرف میزند، ده بیست میلیون مستمع از روی شوق به حرف او گوش می‌دهند. کی

چنین چیزی برای من و شما در طول تاریخ روحانیت، از اول اسلام تا حالا وجود داشته؟ این اجتماعات بزرگ کی وجود داشت؟ این نماز جمعه‌ها کی وجود داشت؟

این فرصت فوق العاده‌ای است؛ بنیاد این فرصت ضایع شود. اگر ضایع شد، خدای متعال از من و شما روز قیامت سؤال خواهد کرد: از فرصت این همه جوان، این همه استبصار، این همه میل و شوق به دانستن، شما برای ترویج معارف اسلامی چه استفاده‌ای کردید؟ (خراسان شمالی: ۹۱/۷/۱۹)

کارهای نشده: سؤالات بی جواب...

امروز کارهای نشده سؤالات بی جواب خیلی هست؛ از اولی که این انقلاب پیروز شد، هر جا رفتیم و هر کس آمد، دیدیم به ما می‌گویند شما چه می‌گویید؟ حرفتان چیست؟ ما باید پایه‌های تفکر اسلامی و جهان‌بینی اسلامی و مبانی نظام اسلامی و ارکان و خطوط اصلی انقلاب اسلامی، یعنی این تحول و از شکلی به شکل دیگر شدن، را توضیح دهیم؛ بعد ارکان نظام جمهوری اسلامی و اقتصاد و سیاست و روابط جمعی و روابط فردی و اخلاق و فرهنگ و جایگاه علم را در آن توضیح دهیم... این‌ها باید از حوزه علمیه بجوشد و سرریز شود. (دیدار روحانیون: ۷۰/۱۲/۱)

کسی جواب گو نیست!

ما امروز در باب اداره کشور به مسائلی برخورد می‌کنیم که مشکلات و معضلات دینی و ققهی ماست؛ ما پاسخ این‌ها را می‌خواهیم، اما کسی جواب گو نیست! باید خودمان بنشینیم، با آقای را ببینیم و از او بخواهیم، یا فرضاً بگوئیم در کتاب‌ها بگردند و جواب این مسئله را پیدا کنند. باید دستگاهی آماده باشد و تمام مشکلات و معضلات نظام را پیش‌بینی کند؛ به آن‌ها فکر کند، راه حل ارائه کند و جواب و پاسخ آماده را برای آن آماده کند. این جزو وظایف حوزه‌های علمیه است. (بیانات در آغاز درس خارج فقه: ۷۰/۶/۳۱)

تدوین فقه حکومتی؛ وظیفه استثنایی حوزه

تشکیل نظام اسلامی که داعیه دار تحقق مقررات اسلامی در همه صحنه‌های زندگی است، وظیفه‌ای استثنایی و بی‌سابقه بر دوش حوزه علمیه نهاده است، و آن تحقیق و تنقیح همه مباحث فقهی‌ای است که تدوین مقررات اسلامی برای اداره هر یک از بدنه‌های نظام اسلامی بدان نیازمند است. فقه اسلام آن‌گاه که اداره زندگی فرد و جامعه، با آن گستردگی و پیچیدگی و تنوع را مطمح نظری می‌سازد، مباحثی تازه و کیفیتی ویژه می‌یابد، و این همان طور که نظام اسلامی را از نظر مقررات و جهت‌گیری‌های مورد نیازش، غنی می‌سازد، حوزه فقاقت را